نشرلِگا

سرشناسه: کَسلر، فرانک. عنوان و نام پدیدآور: میزانسن / نویسنده فرانک کَسلر
مترجم حسام‌الدین موسوی ریزی. سرپرست و دبیر مجموعه: مازیار اسلامی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۸۷-۴۸-۲. وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی Mise en scène. موضوع: سینما -- زیبایی‌شناسی
شناسه افزوده: موسوی ریزی، حسام‌الدین، ۱۳۴۶- شناسه افزوده: اسلامی، مازیار
رده‌بندی کنگره: PN۱۹۹۵. رده‌بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳۰۱
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۸۸۲۱۵۵

کینو-آگورا

میزانسن

Mise en scène

نویسنده فرانک کَسلر

مترجم حسام‌الدین موسوی ریزی

سرپرست و دبیر مجموعه مازیار اسلامی

نشر لگا

کینو-آگورا

میزانسن نویسنده فرانک کَسلر

مترجم حسام‌الدین موسوی‌ریزی، سرپرست و دبیر مجموعه مازیار اسلامی

چاپ اول، ۱۳۹۹، ۷۰۰ نسخه، طراح جلد: محمد رهبری

تهران، خیابان انقلاب، چهارراه کالج، ساختمان ۴۰۰، طبقه دوم، واحد ۵

نشر لِگا. تلفن تماس: ۹۹ ۶۵ ۹۶ ۶۶ (۰۲۱)

«کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است»

www.legapress.ir @lega.press

فهرست مطالب

مقدمهٔ دبیر مجموعه ۷
میزانسن ۹
تعاریف ۱۱
مفهوم‌سازی و راه‌وروش‌ها ۲۵
تدارک رویداد برای دوربین ۲۵
بر علیه چنش صحنه، یا «زندگی بی‌پرده» ۳۱
چرا چینش صحنه؟ یا قدرت تدوین ۳٤
هنر چینش رویداد، یا ارکستراکسیون کنش دراماتیک ۳۹
ورای چینش صحنه، یا «میزانسن» به‌مثابهٔ ابزار بیانی مؤلف ٤۷
کارکردها ٦۲
خلق یک جهان ٦۳
مفصل‌بندی زمان و فضای روایی ٦۹
ارائهٔ کنش روایی ۷۳
چه آینده‌ای در انتظار میزانسن است؟ ۸۲
جمع‌بندی ۸۸
پی‌نوشت‌ها ۹۱
نمایه ۱۰۱

مقدمهٔ دبیر مجموعه

ریک آلتمن در یادداشت ستایش‌آمیز آمیخته با حسرت که برای معرفی نشر *کابوز* (caboose) می‌نویسد، از دورانی ازدست‌رفته در فضای نشر روشنفکری یاد می‌کند که ایدهٔ ناشر/متخصص امکان حیات داشت. به‌تعبیر خودش، «تنها در پاریس ده‌ها کتاب‌فروش-ناشر وجود داشتند که به‌شکل تخصصی در یک حوزهٔ خاص کتاب منتشر می‌کردند و می‌فروختند». گرچه، چند دهه‌ای است که این ناشران کوچک در رقابت با ناشر/صنعتگران عظیم از بین رفته‌اند، اما نشر *کابوز* به‌لطف مدیر سینماشناس‌اش، منتقد و مترجم متون سینمایی، تیموتی بارنار، با چاپ کتاب‌های سینمایی، قصدِ تکرار آن ایدهٔ ازدست‌رفته را دارد. از ترجمه‌های جدید انگلیسی، از نوشته‌های آندره بازن تا ترجمهٔ انگلیسی کتاب *مقدمه‌ای بر تاریخ حقیقی سینما و تلویزیون* ژان‌لوک گدار و البته مجموعهٔ فوق‌العادهٔ کینو-آگورا (Kino-Agora) که زیرنظر کریستین کیتلی ارائه می‌شود.

مجموعهٔ کینو-آگورا کوششی بدیع است برای تدقیق مفاهیم و اصطلاحات مهم مطالعات سینمایی. عنوان مجموعه، ارجاع یا شاید هم ادای دینی است

به اصطلاحِ «کینو-پراودا» ژیگا ورتوف، یا همان «سینما-حقیقت» که به‌زعم ورتوف به قدرت پدیدارشناختی، مادی و مشاهده‌گرانهٔ دوربین سینماتوگرافی اشاره داشت. اما در اینجا «کینو» به «آگورا» می‌پیوندد، واژه‌ای برگرفته از یونان باستان، به‌معنای «مکان گردهم‌آیی»، همان مکان مشهوری که تفکر در آنجا متولد شد؛ در کنار دیگر کنش‌های زندگی روزمره، از جمله ورزش، خرید و سرگرمی. از این‌رو، مجموعهٔ کینو-آگورا بر سویهٔ تفکربرانگیز سینما انگشت می‌گذارد.

مجموعهٔ کینو-آگورا کم‌گوی اما عمیق، متواضع اما شخصی، و ساده اما بحث‌برانگیز است و در کنه خویش، هم به جست‌وجوی حقیقت ورتوف وفادار است و هم به خصلت جمعیِ تفکر سقراط.

پس بگوییم، تا برود...

مازیار اسلامی

میزانسن

چگونه است که در ۱۹۸۳، دِرک لاوارت، منتقد فیلم بلژیکی، میزانسن را «زیباترین واژه در توصیف فیلم» می‌خواند،[1] در حالی که بیست‌وپنج سال قبل‌تر، در ۱۹۵۸، ژان ژیرو، فرهنگ‌نویس فرانسوی، در فرهنگ اصطلاحات سینمایی‌اش از میزانسن به‌مثابهٔ واژه‌ای مناقشه‌برانگیز و در کل نامناسب یاد می‌کند.[2] بنا بر استدلال ژیرو، از آنجایی که این اصطلاح از تئاتر وارد سینما شده بود، مؤید پس‌زمینه‌ای بود که به کار سینما نمی‌آمد. واضح‌ترین، و البته مقبول‌ترین پاسخ این بود که نگرش لاوارت به میزانسن، بر اساس نظریهٔ مؤلف بود. بنابراین، لاوارت آن را پدیداری زیبایی‌شناختی می‌دید، در حالی که ژیرو، نگاه و برداشت تحقیرآمیزی از میزانسن داشت؛ زیرا به‌زعم او، از این اصطلاح در اصل برای بحث درمورد تئاتر استفاده شده بود ـ البته این نگاه تحقیرآمیز، شامل حال آن بخش از مراحل مختلف تولید که زیرمجموعهٔ میزانسن بودند، نمی‌شد. ژاک اومون، در مقالهٔ مهمی با دست‌گذاشتن

روی این پارادوکس نشان می‌دهد که میزانسن، مفهومی کاملاً سینمایی و در عین حال برآمده از تئاتر است که بیشتر نظریه‌پردازان سینما از آن به‌عنوان نقطهٔ مقابل سینما نام برده‌اند.[۳]

بنابراین، میزانسن را بسته به مفهومی که در بر دارد، می‌توان به اشکال مختلف به کار برد. حتی دست‌کم تا حدی، آن را مطابق با همان چیزی استفاده کرد که قرار است به آن ارجاع داده شود. برای ژیرو، میزانسن آشکارا یک اصطلاح توصیفی کمابیش ناجور است و شامل آن دسته از فعالیت‌هایی می‌شود که بخشی از روند تولید فیلم را تشکیل می‌دهند، در حالی که از دید لاوارت، میزانسن حائز کیفیتی زیبایی‌شناختی نیز هست؛ کیفیتی که در حقیقت به دورهٔ معینی ربط پیدا می‌کند: «سخن‌گفتن از میزانسن، یعنی سخن‌گفتن از یک پدیدار تاریخی. میزانسن، اصطلاحی است که از تاریخ نقد فیلم می‌آید؛ میزانسن، یعنی راه‌وروشی برای ساخت فیلم (به‌خصوص در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰)».[۴] پس، به‌منظور ارزیابی نقش عملی میزانسن و اهمیت آن به‌عنوان یک مفهوم نظری، باید آن را از معانی مختلفی که در طول تاریخ فیلم بدان نسبت داده شده است، جدا کرد. و نه‌تنها باید به انواع مفاهیم نظری میزانسن، بلکه به همهٔ آن روش‌های اجرایی‌ای هم پرداخت که به‌صورت عملی در فیلم‌های مختلف اعمال شده‌اند. بین پردهٔ سینما و صحنهٔ نمایش، بین کارکرد توصیفی و کارکرد القایی، بین فعالیت تولید فیلم و زیبایی‌شناسی و نیز بین جنبه‌های فنی و نظری، میزانسن اصطلاحی چندمنظوره است و نمی‌توان آن را به یک معنا و مفهوم واحد فروکاست.

تعاریف

بنا به‌گفتهٔ اومون، ظاهراً از واژهٔ میزانسن، نخست در فرانسهٔ اوایل قرن نوزدهم استفاده شد. آنگاه مدتی طول کشید تا به‌عنوان اصطلاحی برای برجسته‌سازی و مهم‌نمایاندن کارکارگردان تئاتر جا بیفتد.[۵] در *فرهنگ اصطلاحات تئاتر* آرتور پوگین (چاپ ۱۸۸۵)، میزانسن عملاً هرچیزی، مگر دکلمه را شامل می‌شود. میزانسن، «هنر آماده و مرتب‌کردن همهٔ امور و جوانب کنش روی صحنهٔ نمایش است که نه‌تنها حرکات فردی و ترکیبی کاراکترهای روی صحنه، بلکه حتی صحنه‌های شلوغ سیاهی‌لشکر ـ از جمله جماعتی از آدم‌ها، رژه، جنگ و غیره ـ را نیز در بر می‌گیرد. میزانسن، هماهنگی این حرکات و کنش‌ها با دکور، وسایل صحنه، آرایه‌ها و حتی کوچک‌ترین جزئیات را نیز شامل می‌شود. به‌عبارت دیگر، پوگین فقط دکلمه، یعنی اجرای کلامی متن نمایشنامه را جزء میزانسن نمی‌داند؛ یعنی، همان بخش نمایشنامه که پیوند بسیار نزدیک و تنگاتنگی با ادبیات دارد. به‌عقیدهٔ او، هرچیز دیگری جزئی از میزانسن است.[۶] اما، در حقیقت می‌توان حدس زد، زمانی که وی روی این فرهنگ لغات کار می‌کرد، فرد مسئول میزانسن، نقشی ولو جزئی، در شکل اجرا و بیان دیالوگ‌های متن نیز داشته است. هرچند این مرزبندی میان میزانسن و دکلمه، یا به زبان خود پوگین «سُرایش ناب»، به‌نوعی یک تفکیک مصنوعی است، با این حال، مؤید تباین جنبه‌های ادبی و دیداری تئاتر است که در تئاتر فرانسهٔ نیمهٔ دوم قرن نوزدهم میلادی از اهمیت فراوانی برخوردار بود.[۷] از لحاظ سلسله‌مراتب فرهنگی، به‌خوبی می‌توان دید